

یادداشتی از مهدی بیرانوند روزمان:

حضور اتباع غیرقانونی در ایران و بررسی آسیب های اجتماعی آن

مهاجران غیرقانونی، نادیده گرفتن قانون رسمی ایران، مشارکت در انواع جرم، ایجاد مزاحمت های ناموسی، ستون پنجم تکفیر و تحجر طالبانی در عمق خاک ایران و.... عبارات، تیترو نقل محافل عمومی و اجتماعی چند سال اخیر ایران درخصوص حضور اتباع غیرقانونی و حتی قانونی افغانستان در خاک ایران است. مسئله ای که طی سال های ۱۴۰۱ تا ۱۴۰۳ پر رنگ تر شده است. مشارکت اتباع افغانستانی در انواع جرم بخصوص پرونده های قتل نگرانی را میان اقشار مختلف ایرانی دوچندان کرده است. در این یادداشت کوتاه می خواهیم به باید و نبایدهای حضور اتباع افغانستانی در ایران بپردازیم.

به گزارش خبرنگاران گروه جامعه گزارش خبر، مهاجران غیرقانونی، نادیده گرفتن قانون رسمی ایران، مشارکت در انواع جرم، ایجاد مزاحمت های ناموسی، ستون پنجم تکفیر و تحجر طالبانی در عمق خاک ایران و.... عبارات، تیترو نقل محافل عمومی و اجتماعی چند سال اخیر ایران درخصوص حضور اتباع غیرقانونی و حتی قانونی افغانستان در خاک ایران است. مسئله ای که طی سال های ۱۴۰۱ تا ۱۴۰۳ پر رنگ تر شده است. مشارکت اتباع افغانستانی در انواع جرم بخصوص پرونده های قتل نگرانی را میان اقشار مختلف ایرانی دوچندان کرده است. در این یادداشت کوتاه می خواهیم به باید و نبایدهای حضور اتباع افغانستانی در ایران بپردازیم.

حضور غیرقانونی مهاجران افغانستانی در درجه اول به معنای زیر پا گذاشتن قوانین ایران است، چون از همان ابتدا قوانین حقوقی مربوط به اقامت ورود را رعایت نکرده اند. همین سکوت غیرقانونی، زمینه چالش های حقوقی دیگری را فراهم می کند که اول از همه، زمینه قانون شکنی های دیگر را تسهیل می کند.

ازدواج، کار و تحصیل آنها به صورت غیرقانونی انجام می شود. افراد هنجارشکن در هر گروه و طبقه ای وجود دارد. مهاجران افغانستانی نیز از این امر مستثنی نیستند.

اگر مهاجر که به صورت غیرقانونی در یک کشور ساکن است، جرمی مرتکب شود، به راحتی می تواند اقدام به خروج از آن کشور کرده و بررسی و پیگیری آن برای دستگاه قضایی مشکل است و این خود زمینه افزایش جرایم را در یک کشور فراهم می کند.

برخی از افرادی که به صورت غیرقانونی در کشور حضور دارند برای ماندن در ایران اقدامات مختلفی انجام می دهند، که از جمله این اقدامات خرید شناسنامه افراد ایرانی است.

آیا حضور اتباع و رفت و آمد آنها به امنیت مرزها آسیب می رساند؟!

ورود و خروج غیرقانونی مهاجران، سبب پایین آمدن ضریب امنیت در مرزها می شود و مشکلات امنیتی و سیاسی بسیاری برای کشور ایجاد می کند.

علاوه بر این گسترش هرج و مرج در مرزها کنترل مرزها را دشوارتر کرده و دولت می بایست هزینه زیادی برای تأمین امنیت این مناطق بپردازد.

مسئله دیگری که ورود و خروج غیرقانونی این مهاجران به دنبال دارد این است که اغلب این افراد مخفیانه و به صورت قاچاقی و غیرقانونی وارد ایران می شوند و مسئله قاچاق انسان را ایجاد می کنند.

علاوه بر این، مهاجرت غیرقانونی به عنوان فعالیت سودآور مطرح می شود. مهاجرت غیرقانونی توسط باندهای تبهکار، سازمان دهی می شود. باندهای مستقر در خارج، این کار را به یک فعالیت تجاری بسیار منطقی و منظم تبدیل کرده اند.

نگرانی ها از افزایش حضور اتباع افغانستانی در ایران

میثم مهدی پور، معاون رسانه ای نماینده ویژه ایران در امور افغانستان در توثیتی ضمن ابراز نگرانی از افزایش تعداد پناهجویان افغانستانی در ایران، نوشت: «چند نکته در خصوص روند افزایشی تعداد پناهجویان افغانستان در کشور که این روزها موجب نگرانی بسیاری شده: نخست برخلاف اخبار مغرضانه این روزها، ورودی مرزها خلوت است و کشور نیز هیچ انگیزه ای در خصوص افزایش تعداد پناهجویان افغانستان ندارد (دستگاه های مسئول نسبت به نشر این دست اخبار هدفمند مشکوک، حساس باشند).

دوم اینکه، طرح انسداد فیزیکی مرزها تصویب و با جدیت در حال اجراست امید اینکه با اجرای این طرح بخش اعظمی از ورود غیرقانونی حل شود.

سوم اینکه، اخراج پناهجویان، راه حل مشکل موجود نیست. (چند روز دیگر از طریق غیرقانونی وارد می شوند) فارغ از هزینه ای که به کشور تحمیل می شود.

در نهایت هماهنگی جزایر تصمیم گیر کشور در موضوع افغانستان - تعریف صحیح از افغانستان (فرصت یا تهدید) - عمل به نقشه راه در قبال افغانستان

و... راهکار اساسی است. تلاش شود دوستی تمدنی دو ملت در سایه مشکلات موقت آسیب نبیند.»

بی سیاستی در برابر ورود و خروج اتباع افغانستانی

محمدرسلول رستمی، فعال حوزه اتباع معتقد است قصه به شکل دیگری است و بی‌سیاستی نیز نوعی سیاست است. وی گفت: «این‌گونه نبود که مسئولان امر مطلع نبودند یا به فکر راهکار نبوده باشند. نمی‌توانم بگویم که خلأ سیاستگذاری داریم. شاید سیاست‌ها و قانون‌های بدی داشتیم. درخصوص مادر ایرانی نیز شاهد همین ماجرا بودیم.

این نبود که قانونی نباشد. بلکه قانونی بود که عملاً کار اینها را راه نمی‌انداخت.

خود همین به نظر من یک نوع سیاست است و ما نباید فکر کنیم که مسئولان و نهادهای متولی، متوجه این قضیه نبودند. من فکر می‌کنم، این شیوه یک نوع سیاست تعلیق است. اما در ایران همچنان نظریه تعلیق را نسبت به اتباع داریم و این نظریه هم در کشور طرفداران خود را دارد.

یعنی اینکه شما را در یک حالت بلاتکلیفی قرار دهد. نه فشار قانونی روی شما وارد است و نه فشار بین‌المللی. در عین حال اما همیشه سروصدایی وجود دارد که از وضعیت موجود ناراضی است که آن صدا هم صداهای قالبی نیست و عملاً شما با همین بی‌سیاستی، کارتان را جلو می‌برید.»

رستمی به فعالیت برخی نهادها و سازمان‌های مرتبط با مهاجران نیز اشاره کرد و ادامه داد: «به نظر من بعد از شکل‌گیری سازمان ملی مهاجرت شکل می‌گیرد، هرچند که به صورت رسمی نمی‌تواند کار را به جلو ببرد؛ چراکه منتظر تعیین تکلیف مجلس است، اما عملیاتی کار را شروع کرده است و به نظر من خیلی از مسائلی که ما در کشور به دنبال اجرای آن بودیم و فکر می‌کردیم سال‌ها زمان خواهد برد، در فاز عملیاتی قرار گرفته است.

مانند همین یکسان‌سازی کارت‌ها و کدهای اتباع. مانند بحث ثبت‌نام دانش‌آموزان اتباع در مدارس. احساس من این بود که حتی تا ۲۰ سال دیگر هم چنین اتفاقاتی در کشور نمی‌افتد که جمع‌بندی دوستان به این برسد که ما باید تنها یک کد واحد و مشخص و یک کارت مشخص برای شناسایی اتباع داشته باشیم.

خود رسیدن به چنین نتیجه‌ای که اتباع باید ساماندهی شوند و بعد سیاست مورد نظرمان اجرایی شود، همین امر نقطه مثبتی در بحث اتباع است.»

رستمی اما در ادامه سخنان خود تاکید کرد که «البته ما با اهداف آرمانی فاصله داریم ولی به هر حال اکنون به سمت میدان آمده‌ایم و می‌خواهیم تنها یک خرده مساله از مسائل حوزه مهاجرت را حل کنیم.»

باید و نبایدهای آماری حضور اتباع افغانستانی در ایران

بر اساس برخی برآوردهای غیررسمی، جمعیت این مهاجرین افغانستانی، به حدود ۸ میلیون نفر رسیده که البته با آمارهای رسمی که ۵ میلیون ذکر می‌شود، فاصله معناداری دارد. اما این تفاوت‌های آماری چندان محل بحث نیست، مسئله اصلی افزایش بی‌رویه جمعیت مهاجرین همسایه شرقی است؛ مسئله‌ای که مولد بسیاری از مشکلات برای ما بوده و خواهد بود.

تغییر بافت جمعیتی برخی مناطق استان‌های شرقی و غلبه افغانستانی‌ها بر مردم بومی آن منطقه، گرفتن فرصت‌های شغلی و تنگ‌کردن فضا برای جمعیت جویای کار ایرانی و حتی تنزل قیمت نیروی کار داخل کشور، برخورداری از یارانه‌های گوناگونی که در کشور وجود دارد و مهم‌تر از همه مخاطرات امنیتی و اجتماعی که از خود بر جای می‌گذارند بخشی از تبعات جبران‌ناپذیر ورود بی‌رویه افغانستانی‌هاست.

این سیل مهاجرین غیرقانونی، به دلیل هویت نامعلوم خود انگیزه هر نوع بزهکاری و جرم و جنایت را پیدا خواهند و این معضلی است که در شهرهای مختلف با آن مواجه شده‌ایم. در کنار این مسئله و به دلیل تمایلات افراط‌گرایانه برخی از مهاجرین که از مناطق تکفیری افغانستان به ایران سرازیر شده‌اند، بحرانی بزرگ‌تر را بر سر ما آوار خواهد کرد.

معضل ورود افغانستانی‌ها به صورت غیرقانونی به ایران مسئله جدیدی نیست

عبور بی‌حد و حصر افغانستانی‌ها به صورت غیرقانونی در یکی دو سال اخیر از مرزهای ایران شدت گرفته و آژیر خطر را به صدا درآورده است تا جایی که وزیر کشور دولت سیزدهم هم مجبور شد به آن واکنش نشان دهد و با توجه به نگرانی‌های ایجادشده ضمن تضمین اینکه این اتباع چالش امنیتی برای ایران ندارند، از بازگشت اتباع غیرمجاز سخن بگوید. بدون تردید آمارهای اعلامی با حقیقت موجود از حضور اتباع افغانی در تعارض است.

بسیاری از استان‌های ایران، به‌ویژه استان‌های مرزی برای حضور افغانستانی‌ها ممنوع است. از ابتدای دهه ۱۳۸۰ سیاست رسمی دولت ایران این بوده که افغانستانی‌ها در استان‌های مرکزی سکونت داشته باشند. علاوه بر این، مهاجران عموماً تمایل دارند در مناطقی ساکن باشند که فرصت شغلی بیشتری وجود دارد و بتوانند به شبکه حمایتی اقوام و خویشان دسترسی داشته باشند. در نتیجه در بسیاری استان‌ها تعداد افغانستانی‌ها بسیار اندک و در برخی استان‌ها مانند تهران، جمعیت آنها قابل توجه است. اگر آمار دانش‌آموزان افغانستانی را ملاک قرار دهیم، حدود یک‌سوم از افغانستانی‌ها در استان تهران زندگی می‌کنند. با در نظر گرفتن کارگران فصلی مجرد، احتمالاً این نسبت بالاتر باشد.

در بسیاری از کشورهای جهان، جمعیت مهاجران معمولاً در برخی محله‌ها و مناطق بیشتر است. در ایران هم این قاعده صادق است و جمعیت افغانستانی‌ها در بعضی از شهرها و مناطق روستایی ایران متراکم‌تر است. تعمیم یک تراکم مشاهده‌شده در یک مکان به کل ایران، یک خطای

روش‌شناختی است. اینکه در محله‌ای افغانستانی‌نشین، تعداد زایمان‌های یک بیمارستان از آن افغانستانی‌ها باشد، طبیعی است ولی از این مورد نمی‌توان نتیجه گرفت که در تمام بیمارستان‌های ایران هم چنین وضعیتی وجود دارد. این نوع آمارها را باید براساس تعداد کل جمعیت و نسبت جمعیتی تفسیر کرد، در غیر این صورت اعتبار علمی ندارد.

یک بحثی که همیشه در خصوص اتباع افغانستان وجود داشته ارزان بودن نیروی کار آن‌ها و درآوردن کار از چنگ کارگران ایرانی و بیکار شدن آن‌هاست. هرچند که در این تحلیل، بحث بیگاری کشیدن از کارگران افغانی و سودجویی برخی کارفرما از ذهن‌ها دور شده. با این حال به نظر می‌رسد که حالا نه برخی از مردم که مسئولان هم نسبت به افزایش حضور افغانستانی‌ها در ایران احساس خطر کرده‌اند. و حالا دیگر رسانه‌ها خیلی راحت نسبت به این امر هشدار می‌دهند.

وقوع حوادث تروریستی در ایران مثل شاهچراغ و رد پای اتباع بیگانه به عنوان مجریان حملات، شاید آغازگر رسمی از این مخاطرات بود. هرچند پیش از آن، نماینده‌هایی از مجلس و افراد و مقاماتی در این خصوص اظهار نظر کرده بودند و البته بحث آن‌ها بدآموزی فرهنگی آن‌ها، جداسازی مدارسشان از کودکان ایرانی و همان بحث تکراری نیروی کار بود.